



هیئت متوسلین به حضرت علی اصغر (ع) با جلسات قرآن خانگی در محلّه وحید شکل گرفت و مسیرش با تشکیل هیئت، تکامل یافت

۵۴

قرآن آموزان دیروز هیئتی های امروز

شهرآرامحلّه و پلیس برای فرهنگ سازی و کاهش تخلفات موتورسیکلت سواران در مسیر ویژه طبرسی جنوبی همکاری می کنند

بی آرتی در مسیر ایمن شدن

۳



۶

دانش آموزان دبستان چهارده معصوم (ع) در محلّه شهید قربانی، یک روز متفاوت را تجربه کردند
روزی که کیف ها به استراحت رفتند

۵۰۰ دست سازه بچه های مدرسه امام حسین (ع) در ۲۵ غرفه به نمایش درآمد

۷

کشف استعدادها

از دل یک رویداد دانش آموزی

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

یک فنجان کتاب، جرعه ای از دانایی

کتابخانه امام خمینی (ره) در محله خواجه ربیع، برای سومین هفته متوالی، نشست رزمیزی کرد که با هدف ترویج فرهنگ کتاب خوانی، تدارک دیده شده بود. در این نشست که «یک فنجان کتاب» نام دارد و صبح روزهای دوشنبه برگزار می شود، کتاب های مختلف تحلیل می شود. کتابی که اکنون در دست بررسی شرکت کنندگان دوره قرار دارد، «اثر بخشی بیشتر در محیط کار و منزل با روش مدیریت ویل دان»، نوشته کن بلانچارد است که از سوی مدرس مهارت های نوین مطالعه بررسی می شود.



شما چه خبر

خدمتی تازه برای نشر معارف دینی

فرزانه شهامت | علاقه مندان به نشر معارف قرآن کریم که با کانون فرهنگی تبلیغی کتاب و عترت در محله خیابان همراه شده اند، این بار نیز دست به دست هم دادند و هزینه های لازم برای خرید کلام... مجید و اهدا به مجموعه های متقاضی را تأمین کردند. مصحف های شریف خریداری شده، ۱۲۵ جلد است که هفته پیش، براساس درخواست های ارسال شده به کانون، به طلاب حوزه علمیه حجتیه اصفهانی هادر محله نوغان، مسجد شوکت آبادگران در بولوار نماز و مسجد حجت المهدی (عج) در محله راه آهن اهدا شد. این کانون که دامنه خدمات خود را به برگزاری مجالس اهل بیت (ع) گسترده، امسال نیز برای دریافت کمک های مردمی و برگزاری روضه های فاطمیه در مناطق کم برخوردار کشور، اعلام آمادگی کرده است.

طلب باران برای شهر در سیس آباد

پنجشنبه گذشته، مجتمع تربیتی آموزشی حضرت مهدی (عج)، برای دومین سال متوالی، شاهد برپایی مراسم استغاثه و اقامه نماز طلب باران بود. این آیین معنوی که طبق سفارشات دینی، باید حداقل طلوع آفتاب تا پیش از اذان ظهر برگزار شود، ساعت ۹:۳۰ با حضور آیت... مهدی مروراید، عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان و نماینده آیت... سیستانی در مشهد، برپا شد. گروه های مختلف مردم با جمعیتی بالغ بر ۵ هزار نفر برای شرکت در این مراسم از نقاط مختلف شهر، خود را به محله سیس آباد رسانده بودند.

کودکان محله قرقی در صف های معنوی

پوشیدن چادرهای صورتی، معطر شدن و نشستن سر سجاده، آدابی بود که نونهالان محله قرقی، پیش از برگزاری نخستین نماز جماعت خود، تجربه کردند. این مراسم که سه شنبه و چهارشنبه هفته پیش، به همت دارالقرآن و مرکز فرهنگی هنری امام جواد (ع) برگزار شد، برای ۱۵۰ کودک حاضر در برنامه، یک شروع بود. براساس برنامه ریزی مسئولان مرکز، از این پس، آموزش های مرتبط با نماز از سوی مربی ویژه کودکان، هر هفته انجام خواهد شد. دریافت هدیه و نیز دعا برای بارش رحمت الهی توسط کودکان، از دیگر بخش های این برنامه بود.



مراسم بزرگداشت شهید فرخ رضا فقیهی فر کنار مزارش برگزار شد یادبود قهرمان گمنام در خواجه ربیع

شهامت | عصر پنجشنبه پیش، مراسم یادبود شهید امریه معروف ونهی از منکر، فرخ رضا فقیهی فر، در جوار مزار او واقع در گلزار شهدای آرامستان خواجه ربیع برگزار شد. او که در رشته مهندسی برق تحصیل می کرد، پس از طی دوره های مختلف، به عنوان ضابط قضایی از سوی مرکز اجرایی امریه معروف ونهی از منکر شهرستان بجنورد به مأموریت های مختلف اعزام می شد. نیمه شب ۲۲ آبان سال ۱۳۸۰، وی حین بازگشت از مأموریت برخورد با باند فساد در یکی از روستاهای بجنورد، دچار سانحه رانندگی شد و در بیست و دو سالگی به شهادت رسید.



آسفالت نودر بهمن و بلال

عملیات نهضت آسفالت در خیابان های رسالت ۶۶ محله بلال و بهمن ۱۴ در محله بهمن انجام گرفت. این طرح با همکاری سازمان عمران و در مساحت ۴۰۸ متر مربع اجرا شد. در این عملیات ۴۸ تن آسفالت به کار رفت و فرایند کار با رعایت اصول فنی و زیرسازی مناسب انجام شد تا معابر منطقه به وضعیت بهتری برسند.

سلامت محله ها با پاک سازی مستمر مخازن زباله

شهرداری منطقه ۳ به طور روزانه عملیات شست و شو، نظافت و ضد عفونی مخازن زباله را در نقاط مختلف اجرا می کند تا آلودگی های محیطی و بوی نامطبوع کاهش یابد. جایگاه ها و مخازن نیز به صورت مرتب با محلول جرمی سایه پاک سازی می شوند. تنها در مهر ۱۴۰۴، حدود ۱۰ هزار مخزن در سطح منطقه شست و شو و محلول پاشی شد.

خروج بیش از ۲ هزار تن نخاله از شهر

در مهرماه امسال، حدود ۲ هزار و ۳۰۰ تن خاک و نخاله از معابر و محله های منطقه ۳ جمع آوری و به مراکز مجاز منتقل شد. این اقدام برای بهبود بهداشت محیط و حفظ نظم شهری انجام گرفت. بیشترین حجم برداشت شده مربوط به محله های رسالت، مهرگان، کشمیری، نظام دوست و ۲۲ بهمن است.

شهر خبر

۳



شهرآرامحله و پلیس برای فرهنگ سازی و کاهش تخلفات موتورسیکلت سواران در مسیر ویژه طبرسی جنوبی همکاری می کنند

بی آر تی در مسیر ایمن شدن



محمدرضا فیضی امرداد سال ۱۳۹۲، خط ۲ سامانه اتوبوس های تندرو (بی آر تی) از مسیر حرم مطهر رضوی تا پل فجر به بهره برداری رسید. هدف اصلی از اجرای این طرح، فراهم کردن مسیری بدون ترافیک برای اتوبوس ها و تشویق شهروندان به استفاده از حمل و نقل عمومی بود. اما امروز که بیش از یک دهه از راه اندازی خط تندرو گذشته، این مسیر که باید ویژه اتوبوس ها باشد، به محل تردد همیشگی موتور سواران تبدیل شده است. بسیاری از آن ها بی هیچ نگرانی وارد خط ویژه می شوند و با سرعت زیاد حرکت می کنند؛ بی توجه به خطراتی که در کمینشان است.

در طول این سال ها، حوادث تلخ متعددی در همین مسیر رخ داده است؛ از مرگ موتور سوارانی که در برخورد شاخ به شاخ موتورش با اتوبوس جان باخت، تا شهروندی که هنگام عبور از عرض خیابان، با موتور تصادف کرد و جان خود را از دست داد.

چنین اتفاق هایی باعث شده است این مسیر ۳ هزار و ۸۰۰ متری به یکی از نقاط ناایمن شهر تبدیل شود و امنیت جانی شهروندان را به خطر بیندازد. برای درک بهتر ماجرا، ساعتی را در ایستگاه ورودی طبرسی جنوبی می گذرانیم؛ جایی در میانه همین مسیر شلوغ و پر حادثه.

● موتورسواری در خط ویژه!

حوالی ساعت ۱۷ است؛ ترافیک در خیابان طبرسی جنوبی به وضوح سنگین تر شده است و از همان ورودی، صف طولیل خودروها خبر از ازدحامی جدی می دهد. در این میان، تقریباً همه را کبان موتورسیکلت، مسیر خود را به سمت خط ویژه بی آر تی تغییر می دهند تا از ترافیک فرار و در مسیر خلوت تری حرکت کنند. فقط تعداد اندکی از موتور سواران در لاین خودروها باقی می مانند که آن ها هم معمولاً برای ورود به خیابان های فرعی ناگزیرند این مسیر را انتخاب کنند.

محمد حلیمی، عضو شورای اجتماعی محله رسالت، که از این وضعیت گلایه دارد، می گوید: بی قانونی در مسیر بی آر تی بیداد می کند. تقریباً هر روز شاهد یک حادثه هستیم. در ابتدای مسیر، تابلو ورود هرگونه وسیله نقلیه به جز اتوبوس ممنوع، نصب شده است، اما وقتی به مسیر نگاه می کنی، انبوه موتور سواران را می بینی که بدون توجه به قانون از آن عبور می کنند. خیلی از آن ها با سرعت زیاد حرکت می کنند و گاهی کنترل خود را از دست می دهند و با شهروندانی که قصد عبور از عرض خیابان را دارند، برخورد می کنند. او در ادامه تأکید می کند: برای رفع این مشکل باید مسئولان، به ویژه پلیس راهور، وارد عمل شوند و چاره ای بیندیشند. ادامه این وضعیت هم امنیت رانندگان را تهدید می کند و هم جان عابران را.

● مسیری که دیگر «ویژه» نیست

حسین، یکی از رانندگان خط ۲ بی آر تی، سال هاست که هر روز مسیر پایانه طبرسی شمالی تا حرم مطهر را با اتوبوس طی می کند. او که مسیر را مثل کف دستش می شناسد، درباره بزرگ ترین دغدغه خود و همکارانش می گوید: بزرگ ترین نگرانی ما حضور موتور سواران در مسیر ویژه است. متأسفانه خیلی از آن ها شب ها بدون چراغ، با سرعت زیاد و بی احتیاط حرکت می کنند. بارها پیش آمده است که موتورشان وسط مسیر خراب شده و همان جا مشغول تعمیر می شوند! این کار واقعاً خطرناک است، چون ممکن است هر لحظه حادثه ای رخ بدهد.

او با نارا حتی از بی تفاوتی پلیس راهور ادامه می دهد: بارها دیده ایم پلیس سر تقاطع ها حضور دارد، اما به تردد موتورها در مسیر بی آر تی توجهی نمی کند. به نظرم باید طرح جدی تری برای برخورد با این تخلف اجرا بشود تا مسیر برای همه امن شود. این کار فقط برای راننده ها یا مسافران نیست، بلکه به نفع خود موتور سواران هم است. اگر در فضای مجازی جست و جو کنید، متوجه می شوید افراد زیادی در این مسیر مصدوم شده یا جان باخته اند؛ نمونه حی و حاضرش همین مرداد امسال بود که دو موتور در این مسیر شاخ به شاخ و را کبان آن ها کشته شدند.

● حادثه مرگ بار و تشدید کنترل پلیس

درباره وضعیت تردد موتورسیکلت ها در مسیر ویژه اتوبوس محدوده طبرسی جنوبی، رئیس اداره عملیات کنترل ترافیک پلیس راهور مشهد، توضیحاتی بیان می کند. سرهنگ سید حسن سید حسینی با بیان اینکه «خطوط ویژه برای تسهیل تردد ناوگان حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک اطراف حرم مطهر ایجاد شده است»، می گوید: هدف اصلی این مسیرها اولویت دهی به حمل و نقل عمومی و کاهش ورود خودروهای شخصی به محدوده مرکزی شهر است.

او درباره تردد موتورسیکلت ها در این مسیر می افزاید: اگر مسیر را به طور کامل به روی موتور سواران ببندیم، احتمال دارد آن ها به سمت پیاده رو بروند و این مسئله برای عابران خطرناک است؛ به ویژه در اطراف حرم مطهر که ازدحام زائران زیاد است. در حال حاضر انتخاب بین بد و بدتر است؛ اگر مسیر بسته شود، ناامنی پیاده روها افزایش می یابد و اگر باز بماند، احتمال بروز تصادف در خط ویژه وجود دارد.

«در پی دو حادثه منجر به فوت موتور سواران در محور ویژه اتوبوس طبرسی جنوبی در سال جاری، کنترل و نظارت بر این مسیر از سوی پلیس راهور مشهد تشدید شده است.» رئیس اداره عملیات کنترل ترافیک پلیس راهور مشهد، با بیان این جمله می گوید: پس از وقوع این حوادث تلخ، کنترل عبور و مرور در این محور با دقت بیشتری انجام می شود و گشت های نظارتی افزایش یافته اند تا از تکرار چنین رخدادهایی جلوگیری شود.

● همکاری شهرآرامحله و پلیس برای ارتقای ایمنی

رئیس اداره عملیات کنترل ترافیک پلیس راهور مشهد با اشاره به ضرورت فرهنگ سازی در کنار برخورد قانونی می افزاید: صرفاً با جریمه نمی توان رفتار ترافیکی را اصلاح کرد. لازم است هم زمان با اعمال قانون، آموزش و اطلاع رسانی مؤثر نیز انجام شود تا رانندگان، به ویژه موتور سواران، از خطرات ورود به مسیر ویژه آگاه شوند. به همین منظور، با همکاری مشترک پلیس راهور مشهد و شهرآرامحله، طرحی ویژه در این محور اجرا خواهد شد که هدف آن افزایش آگاهی شهروندان، کاهش تخلفات موتورسیکلت سواران و بهبود ایمنی تردد در محدوده طبرسی جنوبی است.

به گفته سرهنگ سید حسینی، اجرای این طرح فرهنگی و آموزشی می تواند گامی مؤثر در راستای کاهش حوادث و ایجاد نظم ترافیکی در مسیرهای منتهی به حرم مطهر رضوی باشد. به گفته پلیس، مبلغ جریمه اعمال قانون برای ورود وسایل نقلیه به مسیر ویژه ۲۵۰ هزار تومان است.



هیئت متوسلین به حضرت علی اصغر^(ع) با جلسات قرآن خانگی در محله وحید شکل گرفت و مسیرش با تشکیل هیئت، تکامل یافت

قرآن آموزان دیروز هیئتی های امروز



فرزانه شهامت! یک ساعتی تا غروب آفتاب مانده بود که پسر بچه های یکی سر و کله شان پیدا شد؛ از چهار ساله تا سیزده چهارده ساله. چند کوچه بالاتر یا پایین تر، خانه همه شان می افتاد در خیابان دریای اول، نزدیک گرمابه حسینی که بار سیدن دهه ۶۰ به اواخر خود، کم کم داشت متروکه می شد. هر کدام از بچه ها، یک قرآن پیچیده بود توی جاکرانی مخمل یا ترمه، زده بود زیر بغل و به موقع خودش را رسانده بود به جلسه قرآن. هفته پیش از آن، دوره قرآن، خانه صادق بود و حالا نوبت خانه حسن بود. استاد با آن اخم همیشگی اش، آبجد و هؤوز را درس داده و رسیده بود به خطی. نه او و نه هیچ کدام از سی پسر بچه ای که شیطنت هایشان را گذاشته بودند توی کوچه و در سکوت، پای درس قرآن نشسته بودند، نمی دانستند که این دورهمی بی ریا تا سال های سال، زنده می ماند، بزرگ می شود و هیئت متوسلین به حضرت علی اصغر^(ع) را می سازد؛ با جلساتی در یک چار دیواری ساده، مزین به نام حضرت رباب^(س) که به مأمّن اهالی محله و حید تبدیل شده است.

خاطرات فراموش شده



آن گوشه نشسته است، روی تخت خواب اتاقی که پنجره هایش، روبه حیاط متروکه بازمی شود. در دولت چوبی با شیشه های رنگی راکه ردکنی، حاجی قنذری رامی بینی، با سرو صورتی ماشین شده، تکیه زده به عصای چوبی اش. در سکوت حاکم بر خانه ای که جز او و گل رونده پشت شیشه، موجود زنده دیگری در آن نیست، در افکارش غرق شده است.

نچار قدیمی محله و حید و پایه گذار کلاس های آموزش قرآن به کودکان و نوجوانان محله، دقایق متمادی است که دارد تلاش می کند برای به یاد آوردن گذشته ها. اما انگار هیچ چیز نمی تواند خاطراتش را از زیر انبوه گرد و غبار زمان بیرون بیاورد؛ حتی دستخط خودش روی صفحه اول قرآن چاپ لاهور که نشان می دهد آن را به تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۴۷ خریده است. او همین قدر می داند که محمد اسماعیل نام دارد، متولد سال ۱۳۱۹ در تربت حیدریه. از اینکه چه کسی او را در کودکی قرآن خوان کرد، تصویری در ذهن ندارد. نام استادش هر چه باشد و در هر جای این سرزمین آرمیده باشد، با موختن قرآن به محمد اسماعیل، باقیات الصالحات را برای خود خریده است؛ زیرا شاگردش، مهر کلام و حی و قرائت آن را در قلب و جان کودکان و نوجوانان دیروز و پدران امروز محله و حید کاشته است.

ثمره خلاص

پیرمرد هر چه در حافظه از دست رفته اش جست و جوی کند، بیشتر به این نتیجه می رسد که از قدیم، قرآن درس می داده است؛ بی مزد و منت. چه آن وقت ها که مجرد بود و ساکن زادگاهش و چه سال ها بعد که به مشهد و خیابان دریا مهاجرت کرد. او هنوز همان جدی بودن قدیم را حفظ کرده است. اخلاقی که باعث می شد پسر بچه ها حساب کار، دستشان باشد و هوس شلوغ کاری در جلسه قرآن به سرشان نزنند.

پیرمرد لایه لایه خاطراتی تکه پاره از همسر مرحومش، سفرهای زیارتی اش، خدمت در جبهه و فرماندهی پایگاه بسیج در مسجد شمس الشموس، تصویری مات و مبهم از گذشته های محله و حید را هم به یاد می آورد که در آن، خانه ها انگشت شمار بودند. تا چشم کاری می کرد، بزو و بیابان بود و گندمزار. چند متر زمین راکه برای خانه و مغازه نجاری اش از استان قدس خرید و ساخت، کم کم جمعیت هم بیشتر شد. خانواده ها پر بچه بودند و او هر پسر بچه را یک قرآن آموز می دید. همه چیز مهیا بود برای راه اندازی جلسه قرآن؛ همه چیز جز طعنه هایی که هنوز تلخی آن را در یاد دارد؛ «بعضی آدم های بیهوده که اعتقاد به هیچ چیز نداشتند، من را مسخره می کردند و می گفتند این بچه های خردو، چی هستند که دور خودت جمع کرده ای! آخر چه می فهمند این ها که قرآن یادگرفتشان باشد! باید حالا بودند و می دیدند که آن طفل ها، هر کدامشان مردهایی شده اند قرآن خوان و هیئت داری می کنند. نمونه اش همین آقاصادق که میلان بغل، خوار بار فروشی دارد.»



شروعی ساده در خانه مربی قرآن



فقط چند ساعت مغازه اش را بسته بود تا بار جدید بیاورد. حالا مشتری ها صف کشیده اند برای خرید. یکی نبات و آب نبات می خواهد، دیگری، لوبیا چیتی. برای یک مشتری، بطری روغن مایع را می گذارد توی پلاستیک و به دست دیگری، ماکارونی و دستمال کاغذی می دهد. چند دقیقه باید منتظر ماند تا کار سه چهار مشتری دیگر را هم راه بیندازد و فارغ شود برای چند دقیقه جست و جو در خاطراتی که رنگ و بوی قرآن دارد.

صادق حسینی هم سن انقلاب است و کودکی، نوجوانی و جوانی اش را در کوچه پس کوچه های خیابان وحید گذرانده است. از روزهای خوش کودکی می گوید و جلسات قرآنی که برای با هم بودن ها و با هم ماندن های بچه های محله، مقدمه بود؛ «من و بقیه پسر بچه هایی که پایمان به جلسه قرآن حاج آقا قدری باز شد. با هم دوست بودیم. روزی سی و چهار بچه، در کوچه بازی می کردیم. انواع بازی های محلی و حسابی صفا می کردیم، «او ادامه می دهد: دوسه نفر که رفتند خانه آقای قدری جلسه قرآن، بین بقیه بچه ها هم خبر پیچید. هر هفته، چند نفر اضافه می شدند. پدر و مادر هایمان دوست داشتند ما قرآن یاد بگیریم اما این طور نبود که بچه ای را از روی اجبار یا مثلاً با پیچاندن گوشش بنشانند سر کلاس.

از روخوانی قرآن تا توسل به علی اصغر^(ع)

کاسب خوش نام محله و حید از احترام ویژه اش به حاجی قدری، نجار قدیمی و از کار افتاده محله می گوید و از اخلاص و پشتکاری که این مربی پیشکسوت، برای زنده ماندن جلسه آموزش قرآن در محله به خرج داد؛ «در حدود یک دهه ای که جلسه قرآن برقرار بود، چندین نسل، روخوانی و روان خوانی قرآن را از ایشان یاد گرفتند. جدی بود، هنوز هم هست اما برای اینکه قرآن یاد بگیریم، هیچ وقت خشونت به خرج نداد. خوب درس دادن او از یک طرف و زبر و زنگ بودن پسر بچه ها از سوی دیگر باعث می شد که درس ها را خوب یاد بگیریم و از همه این ها مهم تر با قرآن، مانوس باشیم. جوری که من الان هم صبح به صبح، باید پنج شش صفحه قرآن را بخوانم و بعد، کرکره مغازه را بکشم بالا.»

کودکی صادق و دیگر هم سن و سالانش به نوجوانی رسیده بود؛ همان ها که پیش از این، پای درس قرآن کربلایی محمد اسماعیل نشسته بودند و می توانستند کلام خدا را به روانی بخوانند. مهر قرآن و اهل بیت^(ع) به جانشان نشسته بود و دوست داشتند ارادتشان به سید الشهدا^(ع) را نشان بدهند. تشکیل یک هیئت سینه زنی، حکم برداشتن قدم اول را داشت و شیرینی اش، آن قدر بود که راه اندازی جلسه ای ثابت را به دغدغه و آرزوی مشترکشان تبدیل کرد. وقتی در جمع دوستانه شان همفکری کردند، دیدند از میان تمام قهرمان های کربلا، دلشان به سمت دردانه شش ماهه امام حسین^(ع) کشیده شده است؛ بنابراین نام هیئت را، متوسلین به حضرت علی اصغر^(ع) گذاشتند؛ «سال ۷۱، هیئت را تأسیس کردیم. جا و مکان نداشتیم. یکی از همسایه ها، کمکمان کرد و خانه اش را در اختیارمان قرار داد؛ نه یک سال و دو سال؛ پانزده سال!»

زیرزمینی که حسینه شد

از در حیاط تا ورودی اتاق های این خانه قدیمی، راهی نیست. از کنار درخت به وانجیر که عبور کنی، راه پله ها و ایوان، پیش چشم سبز می شود؛ با شمعدانی هایی که گل های صورتی و قرمز، خبر از خوب بودن حالشان می دهد. محمد ابراهیم

انصاریان و همسرش، عذرا موشانی، از ما که مهمانانی ناخوانده ایم، به گرمی استقبال می کنند. جمله ها را حاج آقا می گوید، با لهجه شیرینی که یادگار زادگاهش در یکی از روستاهای نیشابور است و حاج خانم، با حافظه ای دقیق، حرف های شوهر را کامل می کند.

ماجرای حمایت این زوج خیراندیش و سالخورده از هیئت متوسلین به حضرت علی اصغر^(ع) را کربلایی ابراهیم این طور بازگو می کند: پسر من حسن، که چند سال پیش عمرش را داد به شما، آن زمان نوجوان بود و هم سن و سال بچه های هیئت. همه اش می گفت: با ما جا نداریم برای هیئتمان. وسایل خریده بودند برای عزاداری هایشان، زنجیر و این طور چیزها. هر تکه اش خانه یکی از همسایه ها بود. من هم گفتم باشد، وسایلتان را بگذارید توی زیرزمین خانه. پنجاه شصت متر فضا دارد. هر وقت مراسم داشتید، بیایید همین جا برگزار کنید. برای بچه های هیئت، خبری خوش تر از موافقت آقای انصاریان با استقرار هیئت نوجوانان محله و حید در منزلش، وجود نداشت. حالا راه برای کمک های اهالی و خرید نیازمندی های هیئت هموارتر از قبل شده بود. از دیگ و پایه تا سیستم صوت و سیاه. اولین پرچم سیاه هیئت با نقش «یا حسین شهید»، را هم که حاج خانم موشانی از کربلا سوغاتی آورد، عیش نوجوانان متوسل به حضرت علی اصغر^(ع) را کامل کرد.

در شب و روزهای حزن یا شادی اهل بیت^(ع)، گوشه حیاط منزل کربلایی ابراهیم می شد آشپزخانه و دیگ های نذری برای پذیرایی از مهمانان، سر پا می شد. گوشه دیگر حیاط هم سرپوشیده و مهیا می شد برای بانوان محله تا در کنار مردانی مستقر در زیرزمین خانه، در این دوره می مذهبی حاضر باشند.

پویایی ادامه دار

و قتش رسیده بود تا هیئتی که با حمایت بی دریغ

کربلایی ابراهیم، همسرش و دیگر اهالی محله و حید، جان گرفته است، قدمی بلندتر بردارد. خرید یک منزل مسکونی و تغییر کاربری آن به حسینه، هدف ارزشمندی بود که سال ۸۷ با ایثار و خیراندیشی اهالی، تحقق پیدا کرد. بین همه خیرانی که برای این کار خیر پیش قدم شدند، نام چند نیکوکار دانه درشت، در ذهن مردم به یادگار مانده است؛ کسانی مثل مرحوم محمد حسن جمالی که قاضی بود و نیز مرحوم حاج علی رضایی که در خیابان حسینی محراب، کارگاه موزاییک سازی داشت. نام حسینه نیز با مشورت هیئتی هابه مادر حضرت علی اصغر^(ع) پیشکش و کاشی های لاجوردی منقوش به بیت الرباب^(س) بر سر در آن نصب شد.

آن طور که مسئولان هیئت می گویند، این بنا نه فقط در مناسبت های مذهبی، بلکه برای قرآن آموزی نونهالان محله و مهارت افزایی بانوان نیز تبدیل به پایگاهی مطمئن بدون چشمداشت مادی شده است؛ به طوری که اگر مربیان، جهادی و رایگان، قصد آموزش داشته باشند، بابت استفاده از فضا و امکانات حسینه، هزینه ای دریافت نمی شود. قصه رشد و پویایی هیئت، تمامی ندارد و با ورود نسل جدید محله و حید، حال و هوای تازه ای پیدا کرده است. خشت همان خشت است و هدف، همان هدفی که چهار دهه پیش در دل جلسات قرآن کودکان و نوجوانان دنبال می شد؛ رسیدن به رستگاری از راه ارتباطی زلال با خدا.



دانش آموزان دبستان چهارده معصوم^(ع) در محله شهید قربانی، یک روز متفاوت را تجربه کردند

روزی که کیف‌ها به استراحت رفتند

۴



مکان نما

یک باریاد در هر فصل، روزی را به نام «روز بدون کیف و کتاب» برگزار کنیم تا مدرسه برای دانش آموزان، محیطی شاد، پویا و دوست داشتنی باشد.

● آموزش بدون کیف و کتاب

آسیه سلطانی، معلم کلاس چهارم دبستان چهارده معصوم^(ع)، در میان شور و هیاهوی دانش آموزان از فواید این طرح گوید. او این برنامه را فرصتی برای یادگیری متفاوت می‌داند؛ یادگیری‌ای که در ظاهر از کتاب و دفتر فاصله گرفته، اما در عمق خود سرشار از آموزش‌های غیرمستقیم است. او توضیح می‌دهد: در این روز کلی برنامه مهارتی داریم، از جمله مسابقات گروهی و شاهنامه خوانی. بچه‌ها در این فعالیت‌ها مهارت یاد می‌گیرند.

به گفته سلطانی، چنین روزهایی فرصتی است تا علاقه دانش آموزان به مدرسه افزایش یابد و یادگیری در قالب بازی و نشاط تجربه شود. او معتقد است که این روش، عشق به مدرسه را در دل کوچک دانش آموزان تقویت می‌کند.

● کاش این روزها تکرار شود

سیحان سرچاهی، یکی از دانش آموزان کلاس پنجم دبستان چهارده معصوم^(ع)، با شور و هیجان از اجرای «روز بدون کیف و کتاب» صحبت می‌کند. او از اینکه روزی متفاوت را در مدرسه تجربه می‌کند، بسیار خوشحال است و با لبخند پراثری اش می‌گوید: امروز به جای کیف و کتاب، کلی خوراکی خوشمزه آوردیم. دور هم هستیم، حرف می‌زنیم و می‌خندیم و تازه مشق هم نداریم. کاش این روزها بیشتر تکرار شود.

ساعتی بعد، دانش آموزان در حیاط مدرسه صف کشیده‌اند و نوبت برگزاری انتخابات شورای دانش آموزی رسیده است. کاندیداها، با وعده‌ها و قول‌های کودکانه خود مقابل دوستانشان صحبت می‌کنند و دانش آموزان با دقت رأی می‌دهند. در این لحظات ساده، بچه‌ها با مفهوم مشورت، مشارکت و انتخاب آشنا می‌شوند و یاد می‌گیرند که صدای هر یک از آن‌ها اهمیت دارد.

پس از انتخابات، برنامه ادامه می‌یابد، بابازی، قصه‌گویی، مهارت آموزشی و لحظاتی سرشار از خنده و شادی. امروز هرگوشه از مدرسه یادآور تجربه‌ای نو و خاطره‌ای شیرین برای دانش آموزان می‌شود؛ روزی که نه تنها پراز سرگرمی و شادی بوده، بلکه فرصتی برای رشد اجتماعی، همکاری و افزایش علاقه به مدرسه فراهم کرده است.

فیضی | سه شنبه هفته گذشته، مدرسه چهارده معصوم^(ع) در محله شهید قربانی حال و هوای دیگری داشت. نه خبری از کیف و کتاب بود. نه از تکالیف و امتحان. لیکن در حیاط مدرسه از شور و صدای بزرگ بود. در این روز، طرحی با نام «یک روز بدون کیف و کتاب» در مدرسه اجرا شد؛ طرحی که به گفته مدیر مدرسه، ریشه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دارد. ما ساعتی را در کنار دانش آموزان و معلمان گذراندیم، در شادی آن‌ها شریک شدیم و تماشاگر لحظاتی بودیم که مدرسه به جایگاه بازی، یادگیری و تجربه‌های شاد کودکی تبدیل شده بود.

● حاصل یک عمر خدمت

شوق و شادی در چشم‌های بچه‌ها موج می‌زند. امروز، روزی متفاوت است؛ خبری از کیف و کتاب نیست و فضای مدرسه با روزهای دیگر کاملاً فرق دارد. قرار است دانش آموزان، هر چهار روز یکبار جشن، بازی، قصه و برنامه‌های مهارتی پشت سر بگذارند.

علی دوستی یکی از مدیران باتجربه مدارس منطقه ماست که از سال ۱۳۷۰ وارد آموزش و پرورش شده و اکنون بامدرک دکترای روان‌شناسی تربیتی و درسی و چهارمین سال خدمتش، روزهای پرشوری را در کنار دانش آموزان تجربه می‌کند. حالا هجده سال است که در همین مدرسه چهارده معصوم^(ع) در کنار ۱۲۶۰ دانش آموز مشغول خدمت است. پیش‌تر نیز بیش از ۱۰ سال در مدرسه امام هادی^(ع)، جایی که دانش آموزان یتیم و تحت پوشش بهزیستی تحصیل می‌کردند، فعالیت داشته است. به گفته خودش، بیشتر عمر کاری‌اش صرف خدمت به بچه‌های مناطق کم‌برخوردار شده است.

به همراه دوستی، سری به یکی از کلاس‌های زنیم. فضا تغییر کرده است؛ میزها کنار رفته‌اند و معلم با کمک والدین، فضایی گرم و صمیمی ایجاد کرده است. وسط کلاس زیراندازی پهن شده و روی آن، سفره‌ای برای صرف صبحانه آماده شده است تا بچه‌ها روز خود را با وعده‌ای مقوی و دلچسب آغاز کنند. صدای خنده و گفت‌وگو، عطر نان و میوه و شور و هیجان بچه‌ها، کلاس را پر کرده است.

● ۴ زنگ پراز تجربه و مهارت

علی دوستی درباره طرح «روز بدون کیف و کتاب» توضیح می‌دهد: هدف از اجرای این طرح، ایجاد نشاط، شادابی و علاقه مندی به مدرسه است. دانش آموزان نباید مدرسه را فقط محلی برای درس خواندن ببینند، بلکه باید جایی برای رشد، بازی و کسب تجربه‌های اجتماعی نیز باشد.

او درباره روند اجرای برنامه می‌گوید که طرح در چهار زنگ طراحی شده و هر زنگ به یکی از ساخت‌های تربیتی سند تحول اختصاص دارد. روز با مراسم صبحگاهی آغاز می‌شود و دانش آموزان با شور و هیجان، روز خود را شروع می‌کنند. زنگ اول به تربیت دینی اختصاص دارد و شامل آموزش عملی وضو، نماز، اذان و احکام است. زنگ دوم به تربیت اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و در این زنگ، انتخابات شورای دانش آموزی برگزار می‌شود. زنگ سوم مربوط به تربیت بدنی است که دانش آموزان در مسابقات طناب‌کشی و فوتسال شرکت می‌کنند. زنگ پایانی نیز به تربیت هنری اختصاص دارد و برنامه‌هایی

مانند قصه‌گویی و کتاب خوانی، بچه‌ها را با خود همراه می‌کند. اقامه نماز جماعت نیز خاتمه دهنده برنامه هاست.

در پاسخ به این سؤال که چرا اجرای چنین طرحی ضروری است، بالبخند می‌گوید: دانش آموزان از همان روزهای ابتدایی مدرسه زیر بار کتاب‌ها و تکالیف متعدد قرار می‌گیرند. لازم است هر از گاهی فضای مدرسه برای آنان به مکانی شاد و آرامش بخش تبدیل شود تا بدون استرس به مدرسه بیایند، مهارت‌های زندگی گروهی را تمرین کنند و از بودن کنار دوستانشان لذت ببرند. مدیر باتجربه مدرسه به نقش خانواده‌ها نیز اشاره می‌کند: اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه بسیار فعال هستند. در این برنامه، برخی والدین هم در کلاس‌ها برنامه اجرا کردند. همکاری کانون پرورش فکری و خود خانواده‌ها موجب شده است فضای مدرسه پرنشاط و پراثری شود و هم دانش آموزان و هم والدین احساس رضایت و شادی داشته باشند.

● شناسایی استعدادها و افزایش علاقه

علی دوستی درباره تأثیر طرح «روز بدون کیف و کتاب» بر یادگیری دانش آموزان می‌گوید: بسیاری از دانش آموزان ممکن است در برخی دروس مانند ریاضی یا علوم ضعف داشته باشند، اما در زمینه‌هایی مانند ورزش یا هنر، استعداد خود را نشان می‌دهند. اجرای این طرح کمک می‌کند استعدادها و نهفته‌های آنان شناسایی شود و اعتماد به نفس پیدا کنند. وقتی دانش آموز احساس می‌کند در زمینه‌ای موفق است، به مدرسه علاقه مند می‌شود و رابطه صمیمانه‌تری با معلم خود برقرار می‌کند.

او درباره استمرار این برنامه توضیح می‌دهد: این طرح از سال‌های گذشته اجرا می‌شده، اما طی سه سال اخیر بر اجرای آن تأکید ویژه شده است. تلاش ما این است که حداقل ماهی





۵۰۰ دست‌سازه بچه‌های مدرسه امام حسین (ع) در ۲۵ غرفه به نمایش درآمد

کشف استعدادها از دل یک رویداد دانش‌آموزی

مدرسه و در مقیاسی کوچک‌تر را داشته است، اضافه می‌کند: چیزی حدود یک ماه، درگیر آماده‌سازی بودیم؛ از جورکردن داربست و برپاکردن سازه‌ها گرفته تا تزیین غرفه‌ها. هر چند نمایشگاه از سیزدهم افتتاح شد، خیلی قبل‌تر از آن به بچه‌های مدرسه، فراخوان داده بودیم تا فرصت فکر و بروز خلاقیت را داشته باشند.

او با بیان اینکه هر کلاس، غرفه مخصوص به خودش را دارد، از نکاتی می‌گوید که بچه‌ها در تولید آثارشان رعایت کرده‌اند: «خودتان هم دیدید که خیلی از بچه‌ها، از وسایل دورریختنی و بازیافتی برای ساخت آثارشان استفاده کرده‌اند؛ ساخت هواپیما یا چوب بستنی، یک نمونه‌اش. وقتی از مسئولان حوزه هنری خراسان رضوی آمدند برای بازدید، گفتند که بین این بچه‌ها استعدادهای هنری جدی وجود دارد.»

● آموزش‌های ویژه

«هدف نمایشگاه، فقط نمایش دادن آثار نبود. اینکه بچه‌ها حس کنند خودشان خالق این فضا هستند و در رنگ‌های تفریح برای دوستانشان توضیح بدهند که چطور یک اثر را خلق کرده‌اند، برایمان ارزش زیادی دارد.» ابراهیمی، با بیان نکته یادشده، استعدادیابی را یکی دیگر از دستاوردهای آن عنوان می‌کند و می‌گوید: قرار شده است با همکاری حوزه هنری استان، صاحبان پانزده اثر برگزیده نمایشگاه، آموزش‌های تخصصی ببینند تا جزو هنرمندان چیره‌دست آینده باشند. سایر آثار هم پس از غربال، در جشنواره‌های مختلف، شرکت داده خواهند شد.

دید. ماکت‌هایی که بچه‌ها ساخته‌اند هم دیدن دارد؛ از زمین‌های مختلف ورزشی تا مغازه‌های خیابانی و شهرهایی زیبا با خیابان‌های خط‌کشی شده، ساختمان‌های مرتفع، بوستان، ایستگاه آتش‌نشانی و.... دانش‌آموزانی هم که دوست داشته‌اند آثارشان مرتبط با مناسبت ۱۳ آبان و استکبارستیزی باشد، با ساخت هواپیما، تانک، موشک، چرخ‌بال و... به این رویداد آمده‌اند.

● یک ماه تکاپو

برگزاری نمایشگاهی با ۲۵ غرفه، رعایت ریزه‌کاری‌هایش و برپانگداشتن آن برای حدود یک هفته، ساده نبود؛ مهدی ابراهیمی، مدیر مدرسه ابتدایی امام حسین (ع)، این‌طور می‌گوید. او که پارسال هم تجربه اجرای این رویداد در همین

فرزانه‌شاهامت حیاط مدرسه مفروش شده است. بچه‌ها، کفش‌هایشان را آورده‌اند و آزادانه، از این سوبه آن سو می‌دوند. عده‌ای هم دور غرفه‌هایی جمع شده‌اند که دست‌سازه‌های خود و هم‌کلاسی‌هایشان در آن چیده شده است؛ آثاری که خلاقیت و تنوع علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان دبستان امام حسین (ع) در محله بلال، در آن موج می‌زند. بچه‌ها حق دارند درخواست تمديد این نمایشگاه شش‌روزه را داشته باشند. پخش سرودهای حماسی، دست‌نوشته‌ها و پوسته‌های رنگانگی که مضمون استکبارستیزی دارند و خوراکی‌هایی که با همراهی والدین، تهیه و توزیع می‌شود. برایشان آن قدر جذاب است که بعید به نظر می‌رسد خاطرات گرامیداشت روز دانش‌آموز امسال را تا سال‌ها از خاطرشان ببرند.

● نمایشگاهی با ۵۰۰ اثر

همه دانش‌آموزان مدرسه، در برپایی این نمایشگاه، مشارکت داشته‌اند؛ یعنی همه پانصد نفرشان و این تعداد اثر، تماشایی بودن رویداد را دوچندان کرده است. یکی مثل عارف خرمی‌نسب، با میخ و نخ، تابلویی هنری با نقش ماه، خلق کرده است و دیگری مثل آرش مجرد، با هنر سفالگری، گلدانی ساخته و رنگ کرده است. او هم کلاسی‌اش محمد صدرا علیزاده را معرفی می‌کند که به کلاس روباتیک می‌رود و توانسته است از بسازد. باتری قلمی که در مدار، قرار می‌گیرد و پره‌های ازه شروع می‌کند به چرخیدن، برق شادی را می‌شود در چشم‌های محمد صدرا



فعالان فرهنگی منطقه ما برای تقویت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی دورهم جمع شدند

وقتی همه دست به دست هم می‌دهند



عیدگاه

هم‌افزایی، زمانی به نتیجه می‌رسد که نگاه مشترکی میان فعالان فرهنگی، امامان جماعت و فرماندهان پایگاه‌های بسیج شکل بگیرد و همه در یک مسیر واحد حرکت کنند.

امام جماعت مسجد صاحب‌الزمان (عج) با اشاره به برخی چالش‌های موجود میان مجموعه‌های محلی تأکید کرد: هدف ماکاهش تنش‌ها و مشکلات احتمالی میان بسیج و مساجد است تا بتوانیم فضای تعامل و همکاری واقعی را جایگزین نگاه‌های جزیره‌ای کنیم.

رئیس پهنه شهیدسرای در پایان گفت: در این نشست تلاش شد نقشه‌راهی روشن برای ادامه برنامه‌های فرهنگی مساجد ترسیم شود تا فعالیت‌ها در ماه‌های آینده با انسجام، نظم و اثرگذاری بیشتری دنبال شود و ظرفیت‌های مردمی نیز در این مسیر فعال‌تر شوند. در این نشست صمیمی، حاضران نیز با بیان دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود، بر اهمیت گفت‌وگو و همفکری میان مجموعه‌های فعال محله تأکید کردند. گفتنی است سلسله نشست‌های هم‌اندیشی فعالان فرهنگی محله قرار است هر ۴۵ روز یک‌بار برگزار و در آن، تجربیات و دستاوردهای تشکلی‌ها بررسی شود.

افزود: باید توان‌های بالقوه را بالفعل کنیم و از ظرفیت شورای اجتماعی محلات برای پیشبرد امور بهره ببریم.

سرهنک خانی بر همکاری تشکلی‌ها و نهادهای مردمی تأکید کرد و گفت: طرح‌های مشترک را باید با کمک تشکلی‌ها اجرا کنیم. تشکلی‌ها باید بازوی هم باشند، نه رقیب یکدیگر؛ زیرا موازی‌کاری در کارهای تشکلیاتی نتیجه مطلوبی ندارد.

او در ادامه به معضلات اجتماعی موجود اشاره کرد و خواستار ورود جدی‌تر مساجد به میدان حل مشکلات شد: «مساجد باید برای رفع دغدغه‌های مردم و پیگیری مطالبات شهروندان پیش‌قدم شوند. همچنین لازم است از ظرفیت جوانان برای جذب در بسیج و حضور در برنامه‌های فرهنگی استفاده شود.»

● هم‌افزایی، کلید ارتقای برنامه‌های فرهنگی محله

رئیس پهنه شهیدسرای، در حاشیه این مراسم در گفت‌وگو با شهرآرامحله با تأکید بر اهمیت هم‌افزایی میان مجموعه‌های فرهنگی و مذهبی محله گفت: یکی از محورهای اصلی این نشست، استفاده از تجربیات یکدیگر برای ارتقای کیفیت برنامه‌های فرهنگی مساجد و پایگاه‌های بسیج بود. ما معتقدیم اگر این تعامل و تبادل تجربه به درستی شکل بگیرد، می‌توان گام‌های مؤثرتری در راستای افزایش تأثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی برداشت. حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی شاه‌مردی در ادامه افزود:

محمد رضا فیضی، یکشنبه گذشته، فعالان فرهنگی و مسئولان محلات ال‌تیمور و شهید قربانی در نشست صمیمانه گرد هم آمدند تا مسیر تازه‌ای برای هم‌افزایی میان مساجد، پایگاه‌های بسیج و تشکلی‌های مردمی ترسیم کنند. فرماندهان و مدیران محلی با تأکید بر استفاده از ظرفیت جوانان و تجربیات یکدیگر، بر ضرورت همکاری، پرهیز از موازی‌کاری و ارتقای کیفیت برنامه‌های فرهنگی تشکلی‌های محله تأکید کردند. این نشست، فرصتی بود برای گفت‌وگو، تبادل نظر و ترسیم نقشه‌راهی روشن برای تقویت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی محله.

● نقش بسیج در تقویت فعالیت‌های فرهنگی

جواد فولادیان، فرمانده حوزه ۲ ناحیه میثم و دبیر این جلسه، با تأکید بر اینکه مسجد باید محور همه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی باشد، گفت: بسیجیان باید بازوی توانمند امام جماعت و هیئت امناء باشند و در کنار آن، برای اجرای برنامه‌های فرهنگی، جذب جوانان به مسجد و کاهش آسیب‌های اجتماعی تلاش کنند. حضور بسیج در مسجد، یعنی جان‌گرفتن کار فرهنگی در محله. سرهنک جعفر خانی، رئیس کلاتری پنجتن، در حاشیه این مراسم با تأکید بر نقش مساجد در سامان‌دهی محلات گفت: باید از ظرفیت‌های هر محله نهایت بهره را ببریم. او با اشاره به ضرورت فعال‌سازی ظرفیت‌های پنهان محلات



واری نویسنده به کانال شهرآرامحله
منطقه ۳ و ۴ کانال راسخان کنید



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



در دوسوی این معبر، با فاصله چند قدم از یکدیگر،
۱۰ کوچه باریک با عرض یک متر وجود دارد که طول
برخی از آن‌ها بیش از شش متر است.



اهالی محله تلگرد، داروهای مازاد خود
را برای رسیدن به دست نیازمندان به این
کوچه می‌آورند. مسئولیت انجام این کار خیر،
با خیریه شهید هاشمی نژاد خاوری هاست که
با ۴۱ سال قدمت، از خیریه‌های قدیمی مشهد
به شمار می‌رود.



معبر «کوچه باریک‌ها»

فرزانه شهامت کوچه علامه طباطبایی ۲۱، با طول تنها ۱۶۰ متر، از معابر مهم محله تلگرد به شمار می‌رود.
جانمایی کاربری‌های آموزشی، بهداشتی و خدماتی، به این کوچه، موقعیتی راهبردی بخشیده است.
معبر یادشده که به نبوت ۳۶ ختم می‌شود، مزین به نام شهید اسحاق تلگردی است. او سال ۶۶ در
بیست و سه سالگی در سومار به شهادت رسید و پیکرش در آرامستان بهشت رضا (ع) آرام گرفت.

علامه طباطبایی ۲۱
محله تلگرد



وجود یک داروخانه و مطب پزشک عمومی در
این کوچه، بخشی از نیازهای ساکنان آن و دیگر
کوچه‌های هم‌جوار به خدمات درمانی رافع کرده
است.



فروشگاه مرحوم محمدتبار، در ابتدای این کوچه
قرار دارد و از دودهنه پیش، محل رفت و آمد اهالی
محله تلگرد برای خرید خواربار روزانه‌شان است.
بعد از فوت او، فرزندش، علی، کار پدر را ادامه می‌دهد.



پنجمین شعبه از دبیرستان غیردولتی راه
فاطمی، هشت سال پیش در این کوچه تأسیس
شد و آموزش دختران پایه‌های هفتم تا نهم
محله را برعهده دارد.